

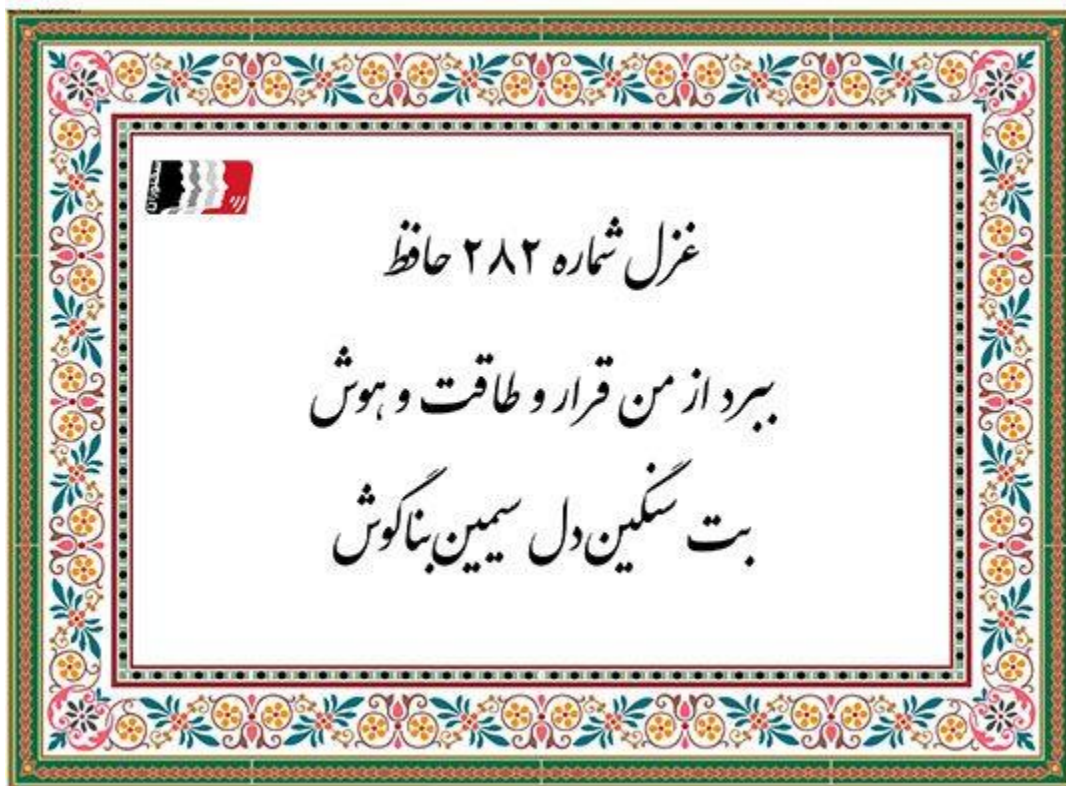
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۲۸۲ حافظ

بُرد از من قرار و طاقت و هوش
بت سَنگینِ دلِ سیمینِ بناگوش

غزل ۲۸۲ حافظ با ببرد از من قرار و طاقت و هوش آغاز می شود. وزن غزل ببرد از من قرار و طاقت و هوش ، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (بحر هزج مسدس مقصور) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی ، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۲۸۲ حافظ

بُردُ از من قرار و طاقت و هوش
بتِ سَنگینِ دِلِ سیمینِ بناگوش

نگاری چابکی، شَنگی، کَله‌دار
ظریفی، مَه‌وشی، تُرکی، قباپوش

ز تابِ آتشِ سُوَدایِ عشقش
به سانِ دیگ، دایم می‌زنم جوش

چو پیراهن، شوم آسوده‌خاطر
گَرش همچون قبا گیرم در آغوش

اگر پوسیده گردد استخوانم
نگردد مهرش از جانم فراموش

دل و دینم، دل و دینم بُرده‌ست
بر و دوشش، بر و دوشش، بر و دوش!

دوای تو، دوایِ توست حافظ
لبِ نوشش، لبِ نوشش، لبِ نوش

شرح و تفسیر غزل ۲۸۲ حافظ

به نظر می‌رسد خواجه در این غزل از شعر نظامی در مورد شیرین با این مضمون تاثیر پذیرفته است: پری پیکر نگار پرنیان پوش / بت سنگین دل سیمین بناگوش

بُردُ از من قرار و طاقت و هوش
بتِ سَنگینِ دِلِ سیمینِ بناگوش

اختلاف نسخ: در برخی نسخ به جای مصرع دوم چنین آمده است: بتی شیرین لبی سیمین بناگوش

قرار: [ق] آسودگی . آرامش . آسایش

طاقت: [ق] تاب . توان

هوش: زیرکی و آگاهی و شعور و عقل و فهم و فراست را گویند. از هوش بردن یعنی از خود بی خود کردن

بت: [بُ] مجازا به معنی معشوق است

سنگین دل: [سِ دِ] مرادف سنگدل . سخت دل . بی رحم . قسی القلب

سیمین بناگوش: [بَ] آنکه بناگوشش چون سیم سپید باشد

معنی بیت: معشوق زیبای سپیدروی بی رحم سنگدل، آرامش و آسایش را از من گرفته و مرا بی تاب و توان کرده و هوش از سر من برده و مرا از خود بی خود کرده است.

نگاری، چابکی، شنگی، کله دار
ظریفی، مهوشی، ترکی، قباپوش

اختلاف نسخ: در برخی نسخ این بیت چنین آمده است: نگاری، چابکی، شنگی، پریوش / حریفی، مهوشی، ترکی، قباپوش

نگار: [ن] در اینجا مجازا به معنای معشوق زیبارو است

چابک: [بُ] چست و چالاک . فرزند . تند || در قدیم به معنای زیبارو هم بوده است

شنگ: [شَ] شاهد شوخ و ظریف و شیرین حرکات و خوب و نیک و زیبا . ظریف . لوند || مجازا به معنای معشوق است

کله دار: [کُ لَ هَ] تاجدار . آنکه از زیبایی گویی تاج افتخار به سر دارد || کنایه از مردمان متکبر و سرکش

ظریف: [ظَا] خوشروی . زیبا . خوش اندام || لطیفه گو . شیرین زبان . خوش گفتار

مهوش: [مَ وَ] بسیار زیبا

ترک: [تُ] مجازا به معنای زیبارو و معشوق بی باک و نامهربان است

قباپوش: [قَ] پوشنده ُ قبا . جامه ای است معروف که از جلو باز است و پس از پوشیدن دو طرف را با دکمه می بندند

معنی بیت: خواجه در ادامه بیت قبل در توصیف معشوق می گوید: معشوقی که از زیبارویی گویی تاج افتخار به سر داشت و به غایت شیرین زبان و نیکو رفتار بود و قبا ی زیبایی به تن داشت که در آن خوش اندام و خوشگل جلوه می کرد و در عین حال بی باک و نامهربان و سنگدل بود، هوش از سر من برده بود و مرا از خود بی خود کرده بود.

ز تابِ آتشِ سُودایِ عشقش
به سانِ دیگ، دایم می‌زنم جوش

سودا: [س / سَ] نام خلطی از اخلاط اربعه و در فارسی به معنی دیوانگی است و این مجاز است ، چرا که بسبب کثرت خلط سودا جنون پیدا میشود

تاب: حرارت . سوزش . گرمی

معنی بیت: در حرارت و گرمی آتش عشق جانان دایما در حال سوختن و گداختنم.

چو پیراهن، شوم آسوده خاطر
گرش همچون قبا گیرم در آغوش

آسوده خاطر: [د / دِ ط] آسوده دل . فارغ البال

قبا: [ق] لباسی که از جلو باز است و پس از پوشیدن دو طرف را با دکمه می بندند. پیراهن جلو بسته است و قبا را روی پیراهن می پوشیدند و شاعران این تخیل را دارند که گویی قبا، پیراهن را در آغوش گرفته است.

معنی بیت: چون قبا که پیراهن را در بر میگیرد، آسوده دل و فارغ البال می شوم اگر یار را در آغوش بگیرم.

اگر پوسیده گردد استخوانم

نگردد مهرش از جانم فراموش

اختلاف نسخ: در برخی نسخ در مصرع دوم به جای مهرش، مهرت آمده است: نگردد مهرت از جانم فراموش

معنی بیت: اگر بمیرم هم عشق جانان از سرم بیرون نمی رود. شیخ اجل سعدی هم بیتی با همین مضمون دارد که: تنم بیوسد و خاکم به باد ریزه شود / هنوز مهر تو باشد بر استخوان، ای دوست

[fusion_separator style_type="single solid" hide_on_mobile="small-visibility,medium-visibility,large-visibility" sticky_display="normal,sticky" class="" id="" flex_grow="" top_margin="۱۰" bottom_margin="۱۰" width="۵۰%" alignment="center" border_size="" sep_color="#۴۳۴۴۴۴" hue="" saturation="" lightness="" alpha="" icon="" icon_size="" icon_color="" icon_circle="" icon_circle_color=""][/fusion_separator]

دل و دینم، دل و دینم پیردهست
بَر و دوشش، بَر و دوشش، بَر و دوش!

بَر و دوش :سینه و شانه . تن و بدن . آغوش

معنی بیت :تن و بدن و اندام یار، دل و دینم را برده مرا عاشق و گرفتار کرده است.

دوای تو، دوایِ توست حافظ
لَبِ نُوَشَّش، لَبِ نُوَشَّش، لَبِ نُوَش!

لَبِ نُوَش :لب شیرین

معنی بیت :حافظ تنها دوا و درمان عاشقی و دلتنگی تو، لب شیرین و گوارای یار است.

نویسنده: دکتر زند